

بسم الله الرحمن الرحيم

درسنامه سطح 2

مهدویت؛ جلسه دوم

موضوع: یاران حضرت مهدی (عج)

تهیه شده در: موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

شروع درس با دو داستان پرده اول: نوجوان شجاع

پس از درگذشت موسی و هارون، قوم بنی اسرائیل نشیب و فرازهای بسیاری دیدند. از جمله اینکه در برهه ای از زمان دشمنان بر آنها غلبه کردند و آنها را از خانه و کاشانه شان بیرون راندند و فرزندان آنها را به اسیری گرفتند.

آنها که از این ذلت و در بدری خسته شده بودند، گرد پیامبرشان (به نام شمعون و یا اشموئیل یا سموئیل) جمع شدند و از وی خواستند که آنها را سر و سامان دهد و برای آنها فرماندهی تعیین کند که تحت فرمان او با دشمنان خود بجنگند.

آن پیامبر که از سستی و ضعف نفس این گروه آگاه بود به آنها گفت: آیا شما به راستی این آمادگی را دارید؟ و اگر من کسی را به فرماندهی برگزینم، شما واقعاً تحت فرمان او و به دستور او مردانه جنگ خواهید کرد؟ آنها قول دادند که شجاعانه بجنگند و گفتند: چگونه تن به جنگ ندهیم در حالی که ما ظلم شده و از خانه و کاشانه خود رانده شده ایم؟

پیامبرشان برای آنها فرماندهی انتخاب نمود که نام او طالوت (از فرزندان بنیامین و از پسران یعقوب نبی علیه السلام) بود. طالوت چوپان فقیری بود که از هیچ شهرت و معروفیتی برخوردار نبود، ولی شخص بسیار لایق و کاردانی بود و از لحاظ جسمی و کاردانی بر دیگران برتری داشت و آن پیامبر از جانب خدا دستور داشت که طالوت را به فرماندهی برگزیند.

آنها گفتند: طالوت قدرت مالی ندارد و ما از او برای فرماندهی شایسته تر هستیم. پیامبرشان گفت: خدا او را بر این کار برگزیده است و او را از لحاظ جسمانی و علم و دانش فزونی داده است و یک نشانه برای شایستگی او این است که به زودی «تابوت عهد»¹ یا همان صندوق مقدسی را که دشمنان بنی اسرائیل از شما گرفته است را به شما باز پس می گرداند.

همانگونه که آن پیامبر گفته بود، طالوت صندوق عهد را به آنها برگردانید و آنها نیز فرماندهی او را قبول کردند.

طالوت به جمع آوری نیرو پرداخت و آنها را سازماندهی کرد و برای جنگ با دشمنان آماده ساخت. طالوت با سپاه خود به سوی دشمن حرکت کرد.

طالوت چون دید برخی سران و افراد سپاه در کار ریاست او شک و تردید دارند و در مورد سلطنت او اعتراض دارند تصمیم گرفت موقعیت خود را بررسی و آنها را امتحان کند تا مبادا به هنگام نبرد و برافراشته شدن پرچمها دست از وی بردارند و او را رها سازند و از صحنه نبرد فرار کنند، لذا به بنی اسرائیل گفت: به زودی به نهر آبی می رسیم، هر کس بردبار است و اطاعت مرا می نماید، باید فقط یک کف (مُشت) آب بیاشامد تا صداقت و صمیمیت خود را به من نشان دهد. ولی هر کس که بیش از این مقدار آب نوشید از دستور من تجاوز کرده و از من نیست .

او بدینگونه می خواست فرمان برداری و استقامت و قدرت اراده آنها را آزمایش کند؛ اما آنها وقتی به آن نهر آب رسیدند جز اندکی از آنها، همگی از آن آب سیر خوردند و بدینگونه ضعف اراده خود را نشان دادند.

¹ . صندوق عهد یا تابوت، حاوی الواحی بود که متعلق به موسی و برادرش هارون علیهما السلام بود. این صندوق از جانب خداوند بر آنان نازل شده بود و بر دوش فرشتگان حمل می شد. (بقره/248) - عهد نعمتی از نعمتهای خدا در بین بنی اسرائیل بود، این صندوق همیشه همراه بنی اسرائیل بود و به آنها قوت قلب و ثبات قدم می داد و آثار عجیبی به همراه داشت. هرگاه بنی اسرائیل می خواستند با دشمن خود به جنگ بپردازند و یا در صحنه نبرد حاضر شوند، این صندوق را پیشاپیش لشکر و در صفوف مقدم قرار می دادند و در این حال قلب آنها از دلهره و اضطراب آسوده می شد و اطمینان خاطر پیدا می کردند و در عوض در میان دشمنانشان ترس و اضطراب ایجاد می کرد، زیرا خداوند این رمز عجیب و امتیاز استثنایی را در نهاد آن قرار داده بود.

طلالت آن اکثریتی را که از فرمان او سرپیچی کرده بودند، رها کرد و با گروه اندکی به راه خود ادامه داد. وقتی آنها با سپاه عظیم دشمن روبرو شدند، بعضی از آنها به طلالت گفتند: ما قدرت رویارویی با این سپاه را نداریم، ولی بعضی از آنها گفتند: با همین تعداد اندک با آنها می‌جنگیم.

فرماندهی سپاه دشمن را شخصی به نام «جالوت» بر عهده داشت. او میان دو لشکر آمد و مبارز طلبید. نوجوانی به نام «داود» در لشکر طلالت بود. او با فلاخنی که در دست داشت، جالوت را هدف قرار داد و سنگی به پیشانی او زد، جالوت درجا کشته شد و کشته شدن او رعب و وحشت فراوانی میان سپاهیان او به وجود آورد و آن لشکر شکست خورد و بنی اسرائیل پیروز شدند.

پرده دوم

در ماه جمادی الاول سال دوم هجرت به پیامبر - صلی الله علیه و آله - خبر رسید که «کرز بن جابر» با گروهی از قریش تا سه منزلی شهر مدینه آمده و شتران پیامبر را با چهار پایان افراد دیگر، به غارت برده و به محصولات مدینه آسیب زده‌اند. رسول اعظم - صلی الله علیه و آله - بی‌درنگ پرچم جنگ را به علی - علیه السلام - سپرد، آن حضرت با جمعی از مهاجران به تعقیب آنها رفتند، تا به چاه بدر رسیدند و سه روز هم در آن جا توقف کردند، هر چه جستجو کردند، کسی را نیافتند. بنابراین به مدینه برگشتند.

از طرفی کفار، اموال مهاجران را در مکه، مصادره کرده بودند، و به طور کلی می‌خواستند، مسلمانان را در مدینه در فشار محاصره اقتصادی قرار دهند، و روشن است که اگر این فشار ادامه می‌یافت، دست کم جلو توسعه و گسترش اسلام گرفته می‌شد.

پیامبر - صلی الله علیه و آله - برای شکستن این محاصره، تدابیری اندیشید، بزرگترین تدبیرش این بود که عبور کاروانهای تجارتی مشرکان مکه را قدغن کند.

چهل نفر از مسلمانان را تحت فرماندهی حضرت حمزه که قهرمان رزم آوری بود، برای کنترل مسیر کاروانها فرستاد. این چهل نفر تحت فرماندهی حمزه، به منطقه‌ای بین مدینه و دریای سرخ که راه عبور کاروانهای مکه بودند رفتند و از آن جا نگرهبانی نمودند، منطقه‌ای که 130 کیلومتر عرض داشت و کاروانهای مکه چاره‌ای نداشتند جز این که از آن عبور کنند. چند روز گذشت دیدند کاروانی نمایان شد، وقتی کاروان نزدیک آمد معلوم شد که کاروان قریش است که سیصد نفر همراه کاروان می‌باشد، حمزه اعلام جنگ کرد، ولی کفار که از دلآوری‌ها و شجاعت حمزه اطلاع داشتند، پیشنهاد صلح کردند، حمزه نیز مصلحت امر را بر صلح دانسته، و جنگ واقع نشد.

چند هفته از این ماجرا گذشت. از گزارش گزارشگران اسلام که با دقت و هوشیاری مراقب عملیات دشمن بودند، معلوم بود که دشمن دست بردار نیست، و در فکر تدارک جنگ و ادامه محاصره اقتصادی و... است و پی فرصت می‌گردد. در این شرایط به پیامبر چنین گزارش رسید: «کاروان بزرگی همراه دو هزار شتر (و به نقلی هزار شتر) که پنجاه هزار دینار کالا حمل می‌کند به سرزمین مدینه نزدیک شده و به طرف مکه می‌رود و رئیس این کاروان، ابوسفیان است، و چهل نفر از آن نگرهبانی می‌کنند، و اکثر مردم مکه در آن کالاهای تجارتی شرکت دارند.»

پیامبر - صلی الله علیه و آله - به اصحاب رو کرد و فرمود: «این کاروان قریش است به سوی آن بروید، شاید خدا به این وسیله در کار شما گشایشی بدهد.»

طولی نکشید 313 نفر از مسلمانان در رمضان سال دوم هجرت همراه پیامبر از مدینه به سوی بدر حرکت کردند که 77 نفرشان از مهاجران بودند و بقیه از انصار، و جمعاً هفتاد شتر و سه اسب بیشتر نداشتند.

ابوسفیان توسط جاسوس‌هایش از تصمیم پیامبر و مسلمانان آگاه شد. دو کار به نظرش رسید یکی این که فردی را از بیراهه به طور سریع به مکه بفرستد و مردم مکه را از، در خطر قرار گرفتن کاروان خبر دهد، دوم کاروان را از بیراهه به طرف مکه ببرد.

«مضمم» پیام رسان ابوسفیان به مکه شتافت و مشرکان مکه را از ماجرا مطلع کرد، طولی نکشید که حدود هزار نفر با ساز و برگ کامل نظامی برای نجات کاروان از مکه خارج شدند.

ابوسفیان که می‌دانست تا رسیدن قوا از مکه، قطعاً مورد هجوم مسلمانان قرار خواهد گرفت، مسیر راه را عوض نمود و از بیراهه فرار کرد و کاروان را به مکه رساند.

خبر فرار کاروان به سپاه مکه رسید. سران سپاه در مورد جنگ نظریات مختلف داشتند، نظر عده‌ای این بود که چون کاروان نجات یافته برگردیم، ولی عده‌ای اصرار داشتند که به حرکت ادامه بدهند.

ابوجهل طرفدار جنگ بود و افراد را تحریک می‌کرد. سرانجام تصمیم به جنگ گرفتند. پیامبر با 313 نفر از مسلمانان در بدر بودند که خبر فرار ابوسفیان با کاروانش به حضرت رسید، از طرفی گزارشگران گزارش دادند که لشکر دشمن تا پشت تپه بدر آمده است. شبی که فردایش جنگ بدر واقع شد مسلمانان تمام شب را بیدار بودند و در پای درختی تا صبح به نماز و دعا اشتغال داشتند.

صبح روز جمعه هفده رمضان بود که یکی از سپاهیان به نام «اسود مخزومی» که مردی خشن بود، چشمش به حوضی که مسلمانان درست کرده بودند افتاد. او تصمیم گرفت یکی از این سه کار را انجام دهد، یا از آب حوض بنوشد یا آن را ویران کند و یا کشته شود.

به دنبال این تصمیم از صف سپاه بیرون رفت و تا نزدیک حوض رسید. در آن جا با حضرت حمزه افسر رشید اسلام روبرو شد، حمزه یک ضربت به پای او زد که پایش از ساق جدا شد، در عین حال می‌خواست با حرکت سینه خیز، خود را به آب حوض برساند و از آن بنوشد، حمزه با زدن ضربه دیگر او را در آب کشت.

به دنبال این حادثه، به رسم دیرینه عرب، جنگ تن به تن شروع شد و اولین و یکی از معروفترین جنگ‌های پیامبر اسلام به نام «جنگ بدر» آغاز شد.

سرانجام جنگ با پیروزی اسلام و شکست دشمن پایان یافت و از مسلمانان چهارده یا بیست و دو نفر به افتخار شهادت رسیدند و از کفار، هفتاد نفر کشته شدند و هفتاد نفر اسیر گشتند.^۲

اکنون از دانش آموزان می‌پرسیم: چه نکته یا نکات مشترکی بین این دو داستان وجود داشت؟

به طور طبیعی دانش آموزان به نکات مختلفی اشاره می‌کنند. مربی محترم پس از شنیدن نظرات دانش آموزان، روی تابلو به صورت تدریجی و مرحله ای **عدد 313** را روی تابلو می‌نویسد و از دانش آموزان می‌خواهد که رابطه آن داستانها را با این عدد 313 بیان کنند.

پاسخ روشن است: تعداد یاران طالوت در جنگ با جالوت، با تعداد مهاجران و انصار با عدد یاران پیامبر (ص) در جنگ بدر 313 نفر بوده است.^۳

نکته جالب اینکه این تعداد یاران با شمار اصحاب امام عصر (عج) یکی است؛ یعنی تعداد یاران امام زمان علیه السلام نیز 313 نفر است.

شاید بگویید: یعنی امام زمان فقط با همین تعداد کم، بر تمام دنیا حکومت می‌کند و بر دشمنانش پیروز می‌شود؟

2. فروغ ابدیت، ج 1، صص 311-399. تاریخ طبری، ج 2، ص 270. ارشاد مفید، ص 32.

3. دایره المعارف تشیع، ص 253.

یا شاید بپرسید: پس ما لیاقت حضور در جمع این 313 نفر را نخواهیم داشت. و ... ابتدا باید بدانیم منظور از این تعداد 313 یار که به عدد اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ بدر، مشخص شده است چیست؟

امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان مخصوص خود به نام مفضل بن عمر فرمود: "كَانَی أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنَبِرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ گویا قائم علیه السلام را بر منبر کوفه می نگریم که اصحاب او سیزده نفر به عدد اهل بدر، پیرامونش گرد آمده اند و آنها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین بر خلق اویند."⁴

در واقع این تعداد یاران خاص، که از آنها به عنوان اصحاب امام مهدی علیه السلام یاد می شود، چهره های حکومتی و اجرایی ایشان هستند. آنها انسانهایی عادل، مقتدر، فقیه و کارآمد هستند که در تثبیت حکومت جهانی مولای خود نقش اساسی دارند.

در برخی از روایات، یاران امام مهدی علیه السلام ده هزار نفر یاد شده است و این گونه بیان شده که تا آنان نیایند، قیام صورت نمی گیرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: سیزده و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه، اقامت می کند و سپس رهسپار مدینه می شود.⁵

بنابراین معنای روایت این است که یاران امام زمان علیه السلام منحصر در سیزده و سیزده نفر نیستند؛ بلکه این تعداد، کسانی هستند که در ابتدای قیام آن حضرت به گرد ایشان جمع می شوند.⁶

دوستان من! یاران حضرت طالوت و یاران پیامبر در جنگ بدر چه ویژگی هایی داشتند که لیاقت حضور در کنار آنان را یافتند و توانستند در مقابل ظلم بایستند و مبارزه کنند؟

این سیزده و سیزده نفر که در لشکر طالوت تا پای جان ماندند، ویژگی هایی دارند که با ویژگی های سیزده و سیزده نفر حاضر در جنگ بدر و سیزده نفر یاران مهدی علیه السلام مشترکند.

ما هم اگر می خواهیم در گروه یاران امام زمان علیه السلام قرار بگیریم، باید یکسری شرایط را داشته باشیم تا به عضویت این گروه مبارک درآییم. در این جلسه به برخی از این ویژگیها و شرایط اشاره می کنیم.

ویژگی های یاوران حضرت مهدی علیه السلام

1. شناخت پروردگار

اساسی ترین ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام، معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت آن چنان استوار است که هیچ تردید و شکی، باعث لغزش و دست کشیدن از عقاید و باورهایشان نمی شود.

امام علی علیه السلام می فرماید: رَجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ مردان با ایمانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته اند و آنان یاوران مهدی علیه السلام در آخر الزمان اند.⁷

4. کمال الدین، شیخ صدوق، ج 2، ص 672.

5. ارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 383.

6. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 52، ص 323، ح 3.

7. بحار الانوار، ج 57، ص 229؛ منتخب الاثر، ص 611.

از طرفی، خداوند متعال فلسفه اساسی آفرینش انسانها را عبادت و بندگی معرفی فرموده است. در آنجا که می فرماید: «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»؛ «جن و انس را جز برای اینکه عبادت کنند خلق نکردم.»^۸ بنابراین ابتدا باید خداوند را شناخت، تا پس از آن در مسیر رشد و بندگی و عبودیت قرار گرفت و موانع را کنار زد. یاران امام مهدی علیه السلام باید از جمله کسانی باشند که خداوند را آن گونه که شایسته است می شناسند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «آنان مردانی اند که دل‌هایشان گویا پاره های آهن است. هیچ تردیدی نسبت به خداوند قلب‌هایشان را نیالاید و [قلب‌هایشان] از سنگ استوارتر است.»^۹

2. شناخت امام زمان علیه السلام

یار او شدن، بدون شناخت آن بزرگوار امکان پذیر نخواهد بود. این معرفت، شناخت شناسنامه ای و دانستن نام و نشان ایشان و دانستن اسم پدر و مادر و محل تولد آن حضرت نیست، بلکه معرفت به "حق ولایت" است؛ یعنی فهم این حقیقت که ایشان از من، به من نزدیک تر و سزاوارترند. نتیجه این چنین بینش عمیقی، محبت و اطاعت است. آنچه که شناخت رهبر آخرین را از اهمیتی دوچندان برخوردار می سازد، شرایط ویژه او است. ولادت پنهان، زیست پنهان، امتحانات سخت و دشوار، برخی از این ویژگیهاست. با این همه، یاران امام مهدی علیه السلام امام خویش را به بهترین وجه می شناسند و این شناخت آگاهانه در تمامی وجودشان رسوخ کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«...اعرف امامک فاذا عرفته لم يضرك تقدم هذا الامر ام تاخر ... فمن عرف امامه كان كمن هو في فسطاط القائم عليه السلام؛ امام خویش را بشناس، پس وقتی او را شناختی پیش افتادن و یا تاخیر این امر [ظهور] آسیبی به تو نخواهد رساند ... پس هر آن کس که امام خویش را شناخت، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد.»^{۱۰}

3. اطاعت از خداوند و اولیای او

پس از شناخت خداوند و امام زمان علیه السلام و اعتقاد به آنان، باید این شناخت و اعتقاد را عملی کرد و تبلور حقیقی آن در اطاعت محض از آن انوار پاک است. همسو کردن رفتارها، نیت‌ها و جهت گیریها طبق خواست رهبر الهی، از مهم ترین ویژگی‌های رهروی راستین است و این صفت به خوبی در یاران امام مهدی علیه السلام وجود دارد.

دل‌های یاران امام مهدی نیز علیه السلام، سرشار از محبت ایشان است. به جهت همین عشق آتشین، آنان در هنگام جنگ، ایشان را مانند نگینی در بر می گیرند و جانشان را سپر بالای او می کنند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: "يَحْفُونَ بِهِ وَ يَتَوَنَّهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ؛ در جنگها گرد امام می چرخند و با جان خود، از ایشان محافظت می کنند."^{۱۱} اگر چه امروزه حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت است، اما اراده و فرمانش را باید گردن نهاد؛ چرا که اگر کسی اکنون از دستورات آن حضرت اطاعت کرد در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «طوبى لمن ادرك قائم اهل بيتي وهو مقتد به قبل قيامه يتولى وليه ويتبرا من عدوه ويتولى الائمة الهادية من قبله اولئك رفقاءى وذوو ودى ومودتى واكرم امتى على؛ خوشا به حال کسی که، قائم اهل بیت را درک کند؛ حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد. با دوست او دوست و با دشمن او

8 . ذاریات/56 .

9 . همان، ج 52، ص 307 .

10 . غیبت نعمانی، ص 331

11 . بحار الانوار، ج 52، ص 308.

دشمن [و مخالف] و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست باشد. اینان همنشین و دوستان من و گرامی ترین امت من در نزد من هستند.»^{۱۲}

4. احترام خالصانه

از آنجایی که امام حقی بزرگ برگردن پیروان دارد، خداوند متعال احترام او را بر مردمان لازم فرموده است. از اینرو هرآنچه مایه بزرگداشت او می شود از سوی یاران آن حضرت انجام می گیرد. ایشان این روحیه را در زمان غیبت در خود ایجاد نموده اند تا در زمان ظهور نیز همواره در تمامی امور، احترام آن حضرت را پاس دارند. ائمه معصومین علیهم السلام که معلم انسانهایند، هرگز از این مهم غفلت نکرده و عظمت شان آخرین معصوم علیه السلام، آنها را به تکریم و احترامی مثال زدنی واداشته است.

وقتی «دعبل خزاعی» قصیده ای غراء برای امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام خواند - که در ابیاتی از آن به حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده بود - حضرتش به احترام ذکر نام مقدس ایشان، متواضعانه برخاسته، دست بر سر نهاد و برای فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله دعا فرمود. راوی این عمل ارزشمند امام رضا علیه السلام را این گونه وصف کرده است:

«فوضع الرضا علیه السلام یده علی راسه وتواضع قائما ودعی له بالفرج؛ حضرت رضا علیه السلام دست خود را بر سرش قرار داد و در حالی که ایستاده بود تواضع کرد و برای فرج او [امام زمان علیه السلام] دعا کرد.»^{۱۳}

به راستی کسی که از احترام اندکی به صورت برخاستن هنگام شنیدن نام آن حضرت کوتاهی می کند، چگونه می تواند در عصر ظهور به تکریم آن حضرت بپردازد و از جان خود بگذرد؟!

نکته

مناسب است درباره احترام به آن حضرت بیشتر بدانیم.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» لازم است برخیزیم!» آن حضرت فرمود: «آن حضرت، غیبت طولانی دارد و این لقب یادآور دولت حقه آن حضرت و ابراز تاسف بر غربت اوست و لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد به هر کس که حضرتش را به این لقب یاد کند نگاه محبت آمیز می کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب عصر خود هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در فرج امر مولایش را از خداوند مسئلت نماید.»^{۱۴}

در واقع با قیام خود می گوئیم که آمادگی دفاع و حضور برای اطاعت امر شما را داریم. انسان منتظر که زمینه ساز ظهور در عصر غیبت است، باید همواره دارای چنین هدفی باشد و در راه تحقق آن به گونه های مختلف بکوشد و تا آنجا این آمادگی را داشته باشد و ابراز دارد، که هرگاه نام پیشوای قیام (قائم) ذکر می شود به پاخیزد و آمادگی همه جانبه خویش را نشان دهد و این آمادگی را همیشه به خود و دیگران تلقین و تحکیم کند.^{۱۵}

5. انتظار راستین

12. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص 456. کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 286.

13. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص 640، ح 3.

14. همان، ح 4.

15. ر، ک: خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص 264.

انتظار در واقع اساس شخصیت یاران امام مهدی را شکل می دهد. پیامبر خدا (ص) همواره انسانها را به روزگاری سراسر نور نوید داده و فرموده است: «لا تذهب الدنيا حتى يلي امتي رجل من اهل بيتي يقال له المهدي؛ دنیا به پایان نرسد مگر اینکه امت مرا مردی از اهل بیت من رهبری کند که به او مهدی گفته می شود.»^{۱۶}

انتظار یعنی اینکه به وضع موجود قناعت نکنیم و به سوی برترین ها و بهترین ها حرکت کنیم. این اندیشه در فرهنگ مهدویت بیش از هر چیز، مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها فوق العاده تاریک و ظلمانی است .

امید و آرزوی تحقق این نوید، در زبان روایات اسلامی، «انتظار فرج» خوانده شده و از جمله عبادات، بلکه برترین آنها شمرده شده است .

پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام بر انتظار آن روز موعود، و لحظه شماری در فرا رسیدن آن حکومت حقه - که تنها به دست آن حضرت تشکیل می گردد - تاکید فراوانی نموده و آن را از اصول اساسی دینداری شمرده اند و پادشاهای بزرگی برای منتظران بیان فرموده اند .

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل؛ برترین کارهای امت من انتظار فرج از خدای عزیز و جلیل است.»^{۱۷}

منتظر واقعی کیست؟ و انتظار راستین و حقیقی به چه انتظاری گفته می شود؟ از کجا می توانیم بفهمیم که انتظار ما واقعی است و این امید وجود دارد که بتوانیم از یاران امام زمان علیه السلام قرار بگیریم؟

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال فرموده است:

«من سره ان يكون من اصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو منتظر فان مات وقام القائم بعد كان له من الاجر مثل اجر من ادركه فجدوا وانتظروا هنيئا لكم ايها العصابة المرحومة؛ هر کس که خوشحال می شود که از یاران قائم علیه السلام باشد باید منتظر باشد و با پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل نماید و با چنین حالی منتظر باشد که هرگاه بمیرد و پس از مردنش قائم علیه السلام به پا خیزد، پادشاه او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد، پس بکوشید و منتظر باشید . گوارایتان باد ای گروه رحمت شده!»^{۱۸}

6. آمادگی برای خدمت به حضرت مهدی علیه السلام

آنان که وجودشان سرشار از عشق خداوند و اولیای اوست، اگر عصر ظهور را درک کنند بزرگ ترین افتخارشان خدمت به حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود .

شاید باور کردن این سخن مشکل باشد و کار ما را سخت نماید، وقتی بدانیم که رئیس مذهب شیعه، همو که هزاران دانشمند، زانوی ادب و دانشجویی در محضر کلامش بر زمین می نهادند، آنگاه که نام آخرین ذخیره الهی نزدش برده می شد با حسرتی برآمده از عمق جان و آرزو می فرمود: «لو ادركته لخدمته ايام حياتي؛ اگر او را درک کنم تمام روزهای زندگانی ام خدمتگزار او خواهم بود.»^{۱۹}

از این سخن امام صادق (ع) وضعیت ما نیز دیگر مشخص است. هر کس بخواهد در آن روزگار به خدمت حضرتش نصیب گردد باید هم اکنون در دوران غیبت، خدمت به آن حضرت و یاران او را سرلوحه کارهای خود قرار دهد .

16 . کمال الدین و تمام النعمه، ص 644، ح 3 .

17 . همان مدرک .

18 . غیبت نعمانی، ص 200، ح 16 .

19 . غیبت نعمانی، ص 245 .

چرا که بدون شک کسی می تواند خدمتگزار حضرتش در دوران ظهور باشد که هم اکنون نیز لیاقت خدمتگزاری را در خود ایجاد کرده باشد.

پس منتظر راستین و علاقه مند به حضرت مهدی علیه السلام باید تمامی لحظه های زندگی خود را سرشار از خدمت به او و راه و هدفش سپری نماید .

7. خودسازی و دیگرسازی

یکی از ویژگیهای یاران امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت خودسازی و مواظبت بر رفتار خویش است که در پی آن، جامعه و دیگران نیز به این جهت متمایل خواهند شد .

دینداری در عصر غیبت حضرت مهدی علیه السلام از هر زمانی دیگر بسی مشکل تر و طاقت فرساتر است .

حضرت امام صادق علیه السلام سختی این دوران را این گونه تصویر نموده اند: «صاحب این امر، غیبتی دارد که در آن هر کس از دین خود دست بردارد همانند کسی است که با کشیدن دست خود به ساقه قتاد [که بوته ای تیغدار است] خارهای آن را بسترد، پس کدام یک از شما با دست خود تیغهای قتاد را نگه می دارد؟»^{۲۰}

سپس آن حضرت مدتی سر به زیر افکنده فرمود: صاحب این امر دارای غیبتی است؛ پس بنده خدا باید پرهیزگاری و تقوا پیشه کند و به دین خود تمسک جوید .

گسترش زمینه های شک در اعتقادات، افزایش انگیزه های انحراف و گریز از دین، ستیزه جویی های دشمنان با دینداران و دینداری، رواج زمینه های فساد و گناه در جامعه و ... از مهم ترین عوامل این آزمایش است . آنان که در این گردابهای ترسناک، دین خود را حفظ کنند از شان و رتبه ای بس بلند و رفیع برخوردار خواهند بود و مصداق این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود:

«یا علی واعلم ان اعجب الناس ایمانا واعظمهم یقینا قوم یكون فی آخر الزمان لم یلحقوا النبی وحبب عنهم الحجة فأمنوا بسواد علی بیاض؛ ای علی! بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آنها از روی یقین، مردمی اند که در آخرالزمان خواهند بود؛ پیامبر را ندیده اند و حجت (امام علیه السلام) نیز از آنان محجوب است، اما به سیاهی که بر سفیدی رقم خورده است ایمان آورده اند.»^{۲۱}

کسانی که می خواهند در زمره یاران حضرت باشند، باید دنبال جلب رضایت حضرت نیز باشند و آن چیزهایی که حضرت خشنود می سازد انجام و از چیزهایی که ایشان را ناراحت می کند، دوری کنند.

این مقدم داشتن حضرت بر خواست خود، از شاخصه های مهم یاوران امام مهدی علیه السلام است. کسی که دنبال ناموس مردم می رود، جوانی که حاضر نیست از خنده و فریب کاری یک دختر بگذرد، کسی که نمی تواند در خلوت جلوی گناه خود را بگیرد، و ... چگونه می تواند ادعای دوستی و عشق به امام زمان و یار حضرت بودن را داشته باشد؟!

یادآوری: (داستان عشق پسری به یک دختر و قرارشان و دیر آمدن دختر و به خواب رفتن پسر که نتیجه اش این شد که دختر چند عدد گردو در جیب آن جوان گذاشته و به او بفهماند که عشق او واقعی نیست، وگرنه با دیر آمدن او به خواب نمی رفت نیز، می تواند با توجه به فضای کلاس -بنابر تشخیص مربی محترم- مفید باشد).

در هر حال کسی که عاشق و محب امام زمانش باشد، باید در عمل از او اطاعت نماید. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرموده اند: هُمْ أَطَوَعُ لَهُ مِنْ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا؛ اطاعت آنان از امام، از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است.

20 . کافی، ج 1، ص 335 .

21 . غیبت نعمانی، ج 1، ص 288، ح 8 .

اگر چنین شد، مصداق این فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خواهد بود که فرمود: «به زودی پس از شما، کسانی می آیند که یک نفر از آنان پاداش پنجاه نفر از شما را دارد.» گفتند: «ای رسول خدا، ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جهاد کردیم و درباره ما آیه قرآن نازل شده است.»
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر آنچه از آزارها و رنجها که بر آنان می رسد، بر شما آید، بسان آنان شکیبایی نخواهید داشت.»^{۲۲}

مژده

این بحث را با دو مژده و بشارت به پایان می برم.

یک: اکثریت یاران حضرت را جوانان تشکیل می دهند.

امام علی علیه السلام می فرماید: "أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كَحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحُ فِي الرَّأْدِ وَ أَقْلُ الرَّأْدِ الْمِلْحُ؛ یاوران امام مهدی علیه السلام جوان اند و پیری در آنها نیست، مگر به اندازه سرمه چشم یا به اندازه نمک در غذا و کمترین چیز در غذا، نمک است."^{۲۳}

دو: اگر کسی دوست داشته باشد جزو یاران حضرت باشد و زمانه ظهور ایشان را درک نماید و در خدمت ایشان باشد، ولی چون ممکن است زودتر از زمان ظهور از دنیا برود، می تواند با خواندن **چهل بار دعای عهد** خود را به عضویت گروه یاوران حضرت مهدی علیه السلام در آورد.
در ابتدای دعای عهد، به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است:

هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود، پس اگر پیش از [ظهور] قائم از دنیا برود، خداوند تعالی او را از قبرش خارج می سازد [تا قائم را یاری دهد]. و خداوند به شماره هر کلمه [از آن] هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می سازد.^{۲۴}

پس بیاییم خود را آماده و مهیای یاری امام زمان کنیم که شاید ظهور نزدیک باشد و ما لیاقت سربازی حضرت را بیابیم. ان شاء الله

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام والمسلمین رضا اخوی

²² . کتاب الغیبه، ص 456 .

²³ . غیبت نعمانی، ص 316 .

²⁴ . مصباح الزائر، ص 455 .